

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۴

دگردیسی معنایی کنایه «از بن دندان»

(ص ۹۷ - ۱۱۱)

علی حیدری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۲۲

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۸

چکیده:

در این مقاله سعی شده است در مورد معنی مجازی عبارت «از بن دندان» و مشتقات آن در متون نظم، بحث و بررسی شود. ابتدا سعی شده است معنی کنایی عبارت مورد نظر در فرهنگ‌های لغت و فرهنگ‌های کنایات، آورده شود. سپس علاوه بر معنی مضبوط در فرهنگها (از صمیم قلب، از ته دل، با رغبت و...)، به معنی دیگری (به ناچار، به ضرورت، به اجبار و...) از این کنایه که در متون گذشته بویژه در سبک خراسانی و اوایل سبک عراقی کاربرده داشته، و از دید اغلب فرهنگ نویسان غافل مانده است، اشاره شود. در پایان تلاش شده است که محدوده تقریبی بروز معنی جدید (از صمیم قلب و...) و حذف معنی قدیم (به اجبار و...) یا غلبه معنی جدید بر معنی قدیم مشخص شود.

کلمات کلیدی:

از بن دندان. کنایه. از صمیم قلب. بناچار.

۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان ali_heydari13482006@yahoo.com

مقدمه:

قبل از وارد شدن به موضوع اصلی، لازم است که خیلی مختصر به مبحث تغییر معنی پرداخته شود. معنی‌شناسی (Semantics) یکی از شاخه‌های مهم علم زبانشناسی است که بطور کلی به مطالعه معنا می‌پردازد. یکی از مباحث عمده و مهم در معنی‌شناسی بحث معنای واژه‌هاست که شامل مواردی همچون: هم‌معنایی، چند معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی و... می‌شود. (معنی‌شناسی، پالمر: ص ۱۴۷-۱۰۵) طبیعی است که واژه‌ها بطور طبیعی و ابتدا به ساکن دچار چنین تغییراتی نخواهند شد، بلکه چنین تغییراتی وابسته به عوامل متعددی است. برخی زبانشناسان از زوایای مختلف به دسته‌بندی این عوامل پرداخته‌اند. از جمله «اولمن»، «سترن» (معنی‌شناسی، اختیار: ص ۱۷۹)، «ل. بلومفسیلد» (معنی‌شناسی، پالمر: ص ۳۰) پالمر از مفاهیمی چون: تخصیص معنایی، توسع معنایی، کنایه، استعاره، تقویت معنایی، تنزل معنایی، ترفیع معنایی و... یاد میکند (همانجا). موجبات تغییر معنایی متعدّدند. منصور اختیار به عواملی همچون: تغییرات از نظر روانی، از نظر اجتماعی، از نظر زبانی، از نظر نزاکت، از نظر تاریخی اشاره میکند (معنی‌شناسی، اختیار: ص ۱۷۸-۱۷۶). آنچه بیشتر در این مقاله مد نظر ماست تغییر معنی از نظر تاریخی است. اساساً اصطلاح معنی‌شناسی برای نخستین بار به تحول و تکامل معنی در طول زمان اطلاق گردیده است (معنی‌شناسی، پالمر: ص ۳۰). یکی از اولین و مشهورترین زبانشناسانی که به این مورد پرداخته است، فردینان دو سوسور است. یکی از نظریات مشهور او مبحث «زبانشناسی در زمانی» و «زبانشناسی همزمانی است». در زبانشناسی در زمانی به مطالعه تغییرات زبان در جریان زمان پرداخته می‌شود و زبانشناسی همزمانی به مطالعه تغییرات زبان در یک مقطع زبانی خاص می‌پردازد (معنی‌شناسی: ص ۳۴). صفوی معتقد است: «بحث «در زمانی» و «همزمانی» سوسور به علت عدم انسجام در جمع‌آوری یاداشتهای دانشجویان وی، مبهم باقی ماند. اما به طور کلی میتوان گفت: یا به مطالعه و بررسی روابط موجود میان واحدهای نظام زبان بدون توجه به عامل زمان می‌پردازیم که نگرشی همزمانی است و یا تغییرات متوالی زبان را بر حسب زمان و بدون توجه به نظام موجود آن بررسی میکنیم که نگرشی در زمانی است... اما به اعتقاد سوسور نگرش در زمانی بدون توجه به نگرش همزمانی به لحاظ روش‌شناسی ناممکن است... اگر بخواهیم مدعی شویم که مثلاً معنی واژه «شوخ» از «چرک» به «بذله‌گو» مبدل شده است، نخست باید مقطعی را در نظر بگیریم که این واژه در معنی اولیه‌اش بکار میرفته و سپس به مقطع دومی استناد کنیم که معنی این واژه «بذله‌گو» بوده است. هر

تغییری نیز که در این میان صورت پذیرفته است، به لحاظ همزمانی قابل بررسی است» (از زبانشناسی به ادبیات، صفوی: ص ۳۰-۲۹).

آقای منصور اختیار در مورد تغییر معنی واژه‌ها میگوید: «واژگان سیال هستند و حرکت میکنند و آنها از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر تغییر مکان و تغییر خصوصیت میدهند» (معنی‌شناسی، اختیار: ص ۱۴۲). او معتقد است: «مطالعه‌ی این تغییرات غالباً موجب شگفتی و تعجب می‌گردد. زیرا ممکن است گاه در معنی کلمه چنان تغییراتی رخ دهد که کلمه معنی متضاد آن را به خود بگیرد» (معنی‌شناسی: ص ۱۴۲). در جایی دیگر شبیه به همین معنی می‌گوید: گاهی لغات صورت کهن خود را رها میکنند و معنی تازه به خود می‌گیرند که گاهی معنی به صورت متضاد با معنی اولیه به کار میرود (همان: ص ۱۷۷).

کنایه «از بن دندان»

یکی از کنایاتی است که به اعتقاد ما در مسیر حرکت خود دچار تغییر معنا گردیده و به مرور زمان معنی امروزی آن، متضاد با معنی اولیه‌اش شده است، کنایه «از بن دندان» است. تا حدی که معنی قدیمی آن از دید فرهنگ‌نویسان پنهان مانده و از این مهم‌تر شارحان متون کهن نیز کنایه مورد نظر را در معنی جدید فهمیده، لاجرم در فهم بعضی از متون قدیم که این کنایه بکار رفته است، اشتباهی رخ داده یا میدهد.

در اکثر فرهنگهای لغت، معانی را که برای عبارت «از بن دندان» یا «بن دندان» و «از بن سی و دو دندان» ثبت کرده‌اند، یکسان و آن را در معنی با کمال میل و از صمیم قلب و ... دانسته‌اند. اگر ما بپذیریم که این عبارت یک کنایه است - در فرهنگ کنایات و در خیلی از فرهنگهای لغت بدرستی آن را به عنوان کنایه ثبت کرده‌اند - باید بین معنی مجازی و حقیقی آن ارتباطی وجود داشته باشد. زیرا ما معتقدیم تمام کنایات روزگاری در معنی حقیقی به کار برده میشده‌اند و شاید عمر معنی حقیقی بعضی از آنها موازی با عمر مجازی آنها ادامه پیدا کرده است. «در کنایه معنای بایسته، یا به سخنی دیگر، معنای راستین کنایه نیز پذیرفتنی و رواست. این معنا نیز میتواند درخواست سخنور باشد» (زبانشناسی سخن پارسی؛ بیان؛ کزازی: ص ۱۵۷). دکتر تجلیل نیز میگوید: «کنایه یعنی ایراد لفظ و اراده معنی غیر حقیقی آن، آنگونه که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد» (معانی و بیان، تجلیل: ص ۸۴). از دیدگاه زبانشناسی نیز کلمات میتوانند علاوه بر معنی حقیقی معنی مجازی نیز داشته باشد: «هر کلمه بالقوه توان این را دارد که در غیر معنی خود به کار رود و لاقلاً دو صورت به خود بگیرد: یکی صورت عادی و دیگر صورت نمادی یا

سمبلیک.» (معنی‌شناسی، اختیار: ص ۱۵۰) در بعضی از کنایات امکان دارد الفاظ باقی مانده باشد اما عمل بنا به مقتضیات فراوان از بین رفته باشد، مانند «در جوال کردن» و... در بعضی از کنایات نیز امکان دارد معنی مجازی و کنایی هر دو کاربرد داشته باشند؛ مانند: «آستین بالا زدن» و در بعضی کنایات، بیشتر معنی مجازی مد نظر باشد؛ مثلاً کنایه: «دامن به کمر زدن» شاید روزگاری بیشتر در معنی حقیقی به کار میرفته و بعدها معنی مجازی؛ «آماده انجام کاری شدن را» به خود گرفته است، و اکنون بیشتر در معنی مجازی بکار می‌رود، اما بدیهی است که وسائط بین معنی حقیقی و مجازی، اندک و بسیار روشن است.

چنانکه خواهیم گفت این کنایه (از بن دندان) گاهی در معنی حقیقی و گاهی در معنی کنایی، چه در متون قدیم و چه در دوران معاصر کاربرد فراوانی داشته و دارد. اما در معنی مجازی چنانکه در اکثر فرهنگها آمده است (با کمال میل، از صمیم قلب و...) که معنی پذیرفته شده امروزه این کنایه است، ظاهراً ارتباط روشن و قابل قبولی بین معنی حقیقی و مجازی آن وجود ندارد، اگر چه بعضی از فرهنگ نویسان در صدد توجیه آن برآمده اند: «از بن دندان: کنایه از رغبت و الحاح و منت‌کشی و ظاهر است که در چنین حالت اکثر بیخهای دندان ظاهر می‌گردد. از رشیدی، برهان و بعضی شروح نصاب.» (غیاث‌الغات، رامپوری: ذیل از بن دندان) به نظر ما این توجیه پذیرفتنی نیست و ارتباط واضحی بین معنی حقیقی و معنی مجازی (از صمیم قلب) عبارت «از بن دندان» وجود ندارد. بعبارتی دیگر در این صورت، کنایه از نوع تلویح یا ایماء نیست. هر چند امکان دارد بین معنی حقیقی آن و معنی مجازی بناچار نیز ارتباط روشنی وجود نداشته باشد.

معنی کنایی «از بن دندان»:

لازمست که به معنی مجازی این کنایه که در فرهنگها آمده است اشاره‌ای داشته باشیم: در لغت نامه دهخدا در معنی این کنایه آمده است: «از بن گوش، بالطوع و الرغبه...» (لغتنامه، دهخدا: ذیل از بن دندان) سپس به این بیت استشهد شده است که از نظر ما جای اشکال است:

خدمت او از میان جان کند هر بنده‌ای و آن که باشد دشمنش هم از بن دندان کند در فرهنگ کنایات در معنی «بن دندان» آمده است: «انقیاد، فرمانبرداری، اطاعت و رغبت تمام، ذخیره و پس انداز، الحاح و عجز. از بن دندان کاری کردن: با رضا و رغبت کاری را انجام دادن. از بن دندان: نهایت طوع و رغبت. از ته دل، مکنون خاطر، صمیم خاطر، صمیم قلب و رضای خاطر.» (فرهنگ کنایات، ثروت: ذیل بن دندان) در فرهنگ کنایات دیگری

نیز همین معنی ذکر شده است: «از بن دندان: از بن گوش، از ته دل، طوع و رغبت و از ته دل و مکنون خاطر.» (فرهنگ کنایات، میرزا نیا: ذیل از بن دندان)

در فرهنگ لغات قافیه نیز همین معنی برای کنایه مورد نظر درج شده است: «بن دندان: کنایه از اطاعت و میل و رغبت.» (فرهنگ لغات قافیه، مقدم: ذیل از بن دندان) در فرهنگ ساحلی برای این کنایه معنی جدید و نادری ضبط شده است و به هیچ معنی دیگری اشاره نشده است: (بن دندان: جوال دوز)، تنها در فرهنگ کنایات سخن علاوه بر معنی مشهور از صمیم قلب، خشنودی کامل و... این کنایه به معنی؛ از روی اجبار، ناخواسته و به صورت اجباری نیز آمده است و به همان بیتی را که در لغت نامه دهخدا به نادرست برای معنی امروزی این کنایه آورده شده است، بدرستی در ذیل این معنی (به اجبار) آمده است. (فرهنگ کنایات سخن، انوری: ذیل از بن دندان)

بن دندان: کنایه از با کمال اطاعت، با کمال انقیاد، با کمال رغبت، با کمال میل، از صمیم قلب، از ته دل. (فرهنگ فارسی، معین: ذیل از بن دندان)

در برهان قاطع نیز همین معنی (کنایه از طوع و رضا و...) آمده است. (برهان قاطع، تبریزی: ص ذیل از بن دندان) در فرهنگ لغات و تعبیرات و... دیوان خاقانی؛ همان معنایی را که لغت نامه از برهان قاطع گرفته عیناً نقل کرده است. (فرهنگ لغات و تعبیرات... دیوان خاقانی سجادی: ذیل از بن دندان)

از بن دندان به غایت الحاح و عاجزی کردن. و در لطایف و رشیدی به معنی کمال اطاعت و رغبت و تواضع است. (غیث الغات، رامپوری: ذیل از بن دندان) و...

بررسی تمام نمونه های نظم و نثر که در آنها این کنایه به کار رفته است، اگر غیر ممکن نباشد، دشوار است، اما سعی خواهیم کرد نمونه های بسیاری از این کنایه را مورد بررسی قرار دهیم تا معنی دیگر آن که اکنون بکلی فراموش شده است، نشان دهیم. به نظر میرسد در متون گذشته این کنایه به معنی «به ناچار، به اجبار، از سر ضرورت و...» بوده است و یا حداقل در این معنی نیز به کار میرفته است. طبیعی است که استعمال این کنایه در این معنی، مربوط به متون کهنتر و سبک خراسانی و حداکثر اوایل سبک عراقی است و از آن به بعد میتوان گفت که تقریباً هیچگاه این کنایه در معنی مورد نظر ما (بناچار، از سر ضرورت) بکار نرفته است.

معانی مختلف «از بن دندان» یا «بن دندان» و «از بن سی و دو دندان»

کاربرد این عبارت را میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- **معنی حقیقی:** مواردی که این عبارت در معنی لغوی و حقیقی به کار رفته است و گوینده معنی کنایی آن را اراده نکرده است. در متون کهن و جدید و زبان محاوره، کنایه مورد بحث (از بن دندان) در معنی حقیقی نیز به کار رفته و کماکان در این معنی بدون توجه به معنی مجازی نیز بکار می‌رود. ذیلاً به چند نمونه از متون نظم که در معنی لفظی و حقیقی به کار رفته است، اشاره می‌شود:

از بن دندان هزیمت کرد و از بیم تو شد	چون بن دندان افعی موی بر اندام او (کلیات دیوان امیر معزی: ص ۶۱۰)
کن نوک سنان را تیز ای عقرب جراره	زهر از بن دندان ریز ای افعی خون خواره (دیوان ادیب الممالک فراهانی: ص ۳۰۹)
تا بسته‌ام گزیدن آن لب به خود خیال شمس تبریز اگر نیست مقیم اندر چشم	آب حیاتم از بن دندان برآمده است (همان: ص ۹۷) چشمه شهد از او در بن دندان چیست (کلیات شمس: ۴۰۶/۹)
زمانه که با کرمت کم ز ریزه نانی است	که گاهش از بن دندان برون کنی به خلال (دیوان حکیم قانی: ص ۵۳۰)
شیرینی لعلت نرود از بن دندان	کز لعل توام در بن دندان شکر آمد (دیوان امیر خسرو دهلوی: ۹۰۰/۵)

۲- معنی کنایی:

مواردی که گوینده از این عبارت یا مشابه آن، معنی کنایی را اراده کرده است:

۲-۱: **معنی کنایی جدید (از صمیم قلب):** مواردی که قطعاً این کنایه در معنی امروزی «از صمیم قلب» به کار رفته، یا این معنی ارجح است (بویژه گوینده در جاهای دیگر همین معنی را اراده کرده است):

کیست آن کو پیش تو فرمان نبرد صادقی باید که چون بوبکر در صدق و صواب	بنده باری از بن دندان برد (دیوان حکیم سنایی: ۹۲/۳) زخم مار و بیم دشمن از بن دندان کشد (همان: ۱۱۱/۸)
کند باید به جفا، دیده و دندان کسی	چاکر او ز بن سی و دو دندان نشود (همان: ۱۳۳/۶)

موارد دیگری نیز در آثار سنایی وجود دارد که کمابیش در همین معنی امروزی بکار رفته است. از بهر دعا با یکی زبان و یکی دل متفق آیند جمله از بن دندان (دیوان ادیب الممالک فراهانی: ص ۲۸۷)

از بن دندان به دندان مزد تو جان دهم جای دگر مهمان مشو
(دیوان خاقانی شروانی: ص ۶۷۵)
دندانۀ هر قصری پندی دهدت نو نو پند سر دندانۀ بشنو ز بن دندان
(همان: ص ۳۵۸)

خاقانی حدود ده بار این کنایه را بکار برده و در تمام موارد همین معنی امروزی را از آن اراده کرده است. بطور کلی شعرای سبک آذربایجانی؛ از جمله نظامی و مجیر بیلقانی نیز مانند خاقانی همین معنی را از این کنایه اراده کرده‌اند:

دل سگ کیست؟ که چون چشم چو آهوی تودید خدمت آن لب لعل از بن دندان نکند
(دیوان مجیر بیلقانی: ص ۸۵)
اینست معجزه که تو را سی و سه سالست و ز قدر از بن سی و دو دندانت فلک پی سپر است
(همان: ص ۴۹)

فتح به دندان دیتش جان کنان از بن دندان شده دندان کنان
از بن دندان سر دندان گرفت داد به شکرانه کم آن گرفت
(مخزن الاسرار: ص ۲۱)

استاد وحید دستگردی در حاشیۀ مخزن الاسرار هر دو مورد «از بن دندان» را به معنی «از صمیم قلب» دانسته است. (همان) در بیت اول میشود معنی «بناچار و به اجبار» را بر بیت تحمیل کرد و گفت که: فتح بناچار برای دیۀ دندان پیامبر(ص) سر تعظیم فرود آورد. اما در بیت دوم یقیناً مراد از «از بن دندان» صمیم قلب و طوع و رغبت است، چنانکه مرحوم وحید بدرستی بیان کرده‌اند.

گر جان خواهی از بن دندان بدهم جان خود چه بود هزار چندان بدهم
(دیوان عطار نیشابوری: ۵۰۶/۴)
بندگی چیست به فرمان رفتن پیش امر از بن دندان رفتن (همان: ۵۹۳/۱)
هر دم از یاد لبش جان لب خود میلیسد ور سقط میشنود از بن دندان کشدش
(کلیات شمس: ۱۲۵۲/۳)
گر مرا خار زند آن گل خندان بکشم ور لبش جور کند از بن دندان بکشم
(همان: ۱۶۳۰/۱)
اگر امروز دلدارم درآید چون دُر خندان فلک اندر سجود آید نهد سر از بن دندان
(همان: ۲۱۱۹/۱)

شکر تو من ز چه رو از بن دندان بکنم	کز لب تو شکر در بن دندان باشد (همان: ۳۴۵۶/۴)
گر باد بر آن زلف پریشان زنت	مه طال بقا از بن دندان زنت (همان: رباعیات، ص: ۱۳۴۶)
هر جان که چو کارد در بند زر است	گر تیغ زنی از بن دندان بکشد (همان: رباعیات، ص: ۱۳۷۰)
بنده یاقوت تو را از بن دندان لؤلؤ	در خط از سنبل مشکین سیاهت کافور (دیوان غزلیات خواجه کرمانی: ۵۰۷/۳)
لؤلؤ چو نام لعل گهربار او شنید	لالای او شد از بن دندان چنانکه من (همان: ۷۵۷/۲)
سفره وارم فلک افکند من حلقه به گوش	میکنم خدمت سلطان از بن دندان چو خلال (دیوان سلمان ساوجی: ۵۵۲)
در داد ندا از بن دندان با من	راحت طلبی ز کام دندان بر کن (همان: ۷۳۶)

سلمان ساوجی چند بیت دیگر دارد که در آنها این کنایه مانند ابیات فوق در معنی امروزی به کار رفته است.

نشید یک تن از بن دندان حدیث من	از فکر اگر چه پیکر من چون خلال شد (دیوان صائب تبریزی: ص ۱۵۸۵ / ۹)
دندان طمع خوانند آن را و ببايست	بر کندن آن از ته دل وز بن دندان (دیوان ملک الشعرای بهار: ص ۱۲۸)

۲-۲: معنی کنایی قدیم (بناچار و از سر ضرورت): مواردی که گوینده، از کنایه: «از بن دندان، بن دندان و...» معنی «از سر اجبار، بناچار، ضرورت و...» را اراده کرده است. امیر معزی یکی از شعرائی است که این کنایه را خیلی بکار برده است و به اعتقاد ما همه جا معنی مد نظر ما (از سر اجبار، بناچار) را از آن اراده کرده است و هیچگاه معنی امروزی (از صمیم قلب) را از آن اراده نکرده است و بافت کلام نیز بگونه‌ای است که این معنی (از صمیم قلب) از آن استنباط نمیشود. (شاید بتوان در بعضی موارد ادعا کرد که میشود معنی امروزی را نیز بر این کنایه تحمیل کرد، اما وقتی نویسنده یا شاعری این کنایه را بارها در یک معنی، شفاف و روشن بکار برده باشد، باید پذیرفت که معنی جدید ساخته ذهن

خواننده است و مد نظر گوینده نبوده است، کما اینکه برعکس این نیز صادق است، یعنی مواردی در سروده بعضی از شاعران متأخر وجود دارد که میشود معنی مورد نظر ما (باجبار و...) را بر آن تحمیل کرد، اما برآستی مد نظر گوینده نبوده است، زیرا در جاهای دیگر بروشنی دریافت میشود که از آن فقط معنی امروزی را خواسته است. به هر حال در ابیات ذیل هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که کنایه «از بن دندان» در معنی امروزی بکار رفته باشد، بلکه قراین لفظی و معنوی واضح و قانع کننده‌ای وجود دارد که تنها معنی کنایه مذکور، «بناچار» و «از سر اجبار» است:

هر که دین دارد رهی باشد ترا از جان و دل	ور ز جان و دل نباشد از بن دندان بود (کلیات دیوان امیر معزی: ص ۱۶۸)
ای بسا خصم که با شیر همی زد دندان	خدمت او به ضرورت ز بن دندان کرد (همان: ص ۱۹۲)
از دل و جان هر که پنهان نیست در فرمان تو	آشکارا از بن دندان ترا فرمانبر است (همان: ص ۹۸)
از بن دندان پذیرفتند هر ساله خراج	قیصر روم و امیر مکه و فغفور چین (همان: ص ۴۹۳)

طبیعی است هیچ پادشاهی با میل و رغبت به پادشاه دیگر باج و خراج نمیدهد. از بن دندان هزیمت کرد و از بیم تو شد چون بن دندان افعی موی بر اندام او
(همان: ص ۶۱۰)

(مشخص است که هیچکس از صمیم قلب در مقابل دشمن شکست را نمیپذیرد) خدمت او از میان جان کند هر بنده‌ای و آنکه باشد دشمنش هم از بن دندان کند
(همان: ص ۱۴۸)

لازم به ذکر است که نمونه‌ای به این روشنی در لغت نامه دهخدا ذیل «از بن دندان» در معنی با کمال میل و... آمده است. (به جای «هم»، «او» آمده است که تفاوت چندانی ندارد) طبیعی است تقابلی که بین بنده و دشمن وجود دارد باید بین کنایه‌های «از میان جان» و «از بن دندان» وجود داشته باشد.

از دل و جان هر که با تو دل ندارد چون الف	از بن دندان به خدمت پشت چون لام آورد (همان: ص ۱۶۰)
از دل و جان هر که سر بر خط شاهنشاه نهد	ماند اندر طاعت او از بن دندان بود

(بیم شمشیرش نباشد گر برد فرمان شاه و ز فرمان سر کشد شمشیر را قربان بود)
(همان: ص ۱۴۴)

علاوه بر دیوان امیر معزی این کنایه در معنی مد نظر ما (بناچار و...) در دیوان شعرای دیگری نیز بکار رفته که به نمونه‌های دیگری اشاره میشود:

بی لب و دندان شیرین تو صبر از بن سی و دو دندان میکنم (دیوان انوری: ۲۲۷/۴)
گویی مشتاب تا که وقت آید گر خواهی و گرنه از بن دندان (همان: ۲۳۹/۴)
همان که با او پیکار جست و دندان زد کنون به طاعت او آمد از بن دندان (دیوان عنصری بلخی: ص ۲۶۶)
چو از خوان وصال او ندارم جز جگر قوتی بخایم هم از بن دندان جگر ناچار، چه توان کرد (مجموعه آثار فخرالدین عراقی: ص ۱۱۸)
از بن دندان بگفتش بهر آن کردمست بیدار میدان ای فلان (مثنوی معنوی: ۲/۲۷۶۵)

ولی محمد اکبر آبادی شارح مثنوی مانند فرهنگ نویسان، از بن دندان را در این بیت به معنی؛ غایت فرمانبرداری و نهایت اطاعت و... دانسته است. (اکبر آبادی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۹۰۶)
با توجه به کلیت حکایت در مثنوی مولوی، بعید به نظر می‌آید که معنی مذکور صحیح باشد. این بیت مربوط به حکایت «شیطان است که معاویه را برای نماز صبح از خواب بیدار کرده بود.» مولوی از زبان معاویه می‌گوید:

تو چرا بیدار کردی مرا دشمن بیداری تو ای دغا...
چارمیخت کرده ام هین راست گو راست را دانم تو حیلتها مجو...
گفت بسیار آن بلیس از مکر و قدر میر از او نشنید کرد استیز و صبر
(همان: ۲۷۵۶-۲۷۶۴ / ۲)

طبیعی است که شیطان نمیخواهد حقیقت را به پرسنده بگوید ولی در نهایت بناچار مجبور میشود، (نه از ته دل و صمیم قلب) که حقیقت را بر ملا کند.

همه شاهان جهان را چو همه در نگرم بندگی کرد باید از بن دندان ایدر
(دیوان حکیم فرخی سیستانی: ص ۱۰۶)
گر به دندان ز جهان خیره برآویزم نهلندم، ببرند از بن دندانم
(دیوان ناصر خسرو: ص ۱۹۶)
هرچه کان را به دل خویش ندهی از پی مزد آن به کار بزه جز کز بن دندان ندهی
(همان: ص ۴۶۳)

در دیوان ناصر خسرو یک بار دیگر این کنایه به کار رفته است که میشود معنی جدید و امروزی این کنایه را نیز از آن استنباط کرد:
پادشاهی یافتستی بر نبات و بر ستور هر چه گویی آن کنید آن از بن دندان کنند
(همان: ص ۱۵۰)

بدیهی است در این بیت میتوان هر دو معنی را (از صمیم قلب و از روی اجبار) استنباط کرد. اما از آنجایی که در نمونه های دیگر از دیوان ناصر خسرو معنی قدیمی ارجح و تنها معنی کنایه است، میتوان گفت که مد نظر ناصر خسرو همین معنی بوده است. (یعنی نبات و ستور و... چاره ای ندارند جز هر آنچه تو بگویی و فرمان دهی، انجام دهند.) مگر اینکه بپذیریم که این کنایه در بدو امر دو معنی متضاد داشته است. به اعتقاد ما وجود چنین ابیاتی باعث شده است که معنی امروزی (از صمیم قلب) را بر این کنایه تحمیل کنند و از آن به بعد کم کم معنی قدیمی به فراموشی سپرده شده و معنی امروزی معنی اصلی و تنها معنی این کنایه شده است. بویژه در زبان شعرا و نویسندگانی که زبان اصلی آنها فارسی کهن خراسان نبوده است، و احیاناً بعضی از ترکیبات و کنایات کم کاربرد را از دیوانها و متون نثر تقلید کرده اند. چنانکه گفتیم مثلاً در حوزه سبک آذربایجانی، شعرایی مانند خاقانی، نظامی و مجیر بیلقانی که زبان مادری آنها فارسی دری نبوده است، در تمام موارد این کنایه را در معنی امروزی بکار برده اند.

در متون نثر قدیم نیز این کنایه در معنی مورد نظر ما بکار رفته است، از جمله: در تاریخ بیهقی این کنایه حداقل دو بار آمده و هر دو بار در معنی ناچار بکار رفته است: درمیش بت که از ابهت سلطان ترسیده، میداند که اگر به جانب وی قصدی باشد در هفته ای برافتد، رسولی میفرستد و از سلطان پوزش میطلبد... واسطه ها نیز از سلطان میخواهند از گناه او در گذرد به شرط آنکه: «هر قلعت که از حد غرجستان گرفته است باز دهد. درمیش بت از بن دندان بلاحمر و لا اجر قلعتها به کوتوال امیر سپرد.» (تاریخ بیهقی: ص ۱۷۱) در پاورقی از قول فیاض در معنی بلاحمر آمده است: «فیاض بلاحمد دانسته به معنی بدون احمدی که ببیند یا مزدی که بگیرد، مفت و مجانی.» و «از بن دندان» را مانند اکثر فرهنگها در معنی رضا و رغبت دانسته است. (تعلیقات تاریخ بیهقی، فیاض: ص ۳۱۱) طبیعی است که در چنین فضا و رقابتی، درمیش بت مجبور است که قلعه ها را به امیر(سلطان مسعود) بسپارد.

در جای دیگر چنین آمده است: «پسر کاکو از بن دندان سر به زیر میدارد.» چند جمله قبل از این مطلب صریحاً آمده است که آن نواحی را به پسر کاکو داده آید که مرد هر چند

نیم دشمنی است... (همان: ۴۱۳) که مشخص مینماید پسر کاکو ظاهرأ و از سر ناچار مجبور است تحمل کند و فرمان ببرد نه با میل رغبت. لازم به ذکر است که در توضیح این مطلب نیز در حاشیه آمده است: به رضا و رغبت سر تسلیم فرو می‌آورد. (همان: ص ۵۳۶)

در کشف الاسرار میبیدی نیز با صراحت بیشتری «از بن دندان» در معنی مد نظر ما به کار رفته است: «بعضی بلی به طوع گفتند از میان جان و قومی به گره گفتند از بن دندان.» (کشف الاسرار میبیدی، ج. ۲: ص ۱۸۲) هر که در آسمانها و زمین کس است - طوعاً و کرهأ - بعضی از میان جان و بعضی از بن دندان. (همان: ص ۱۷۷)

۲-۳: معنی کنایی جدید (از صمیم قلب) و قدیم (بناچار): مواردی که کنایه مورد

نظر در معنی کنایی به کار رفته است و با توجه به بافت جمله، مطالب بعد و قبل از کنایه و... میتوان هر دو معنی متضاد (از صمیم قلب، به ناچار) را از آن استنباط کرد. اما به نظر می‌آید فقط یکی از معانی مد نظر گوینده بوده است:

کدام شاه که یک روز با تو دندان سود	که بنده تو نگشت آخر از بن دندان
	(دیوان قطران تبریزی: ص ۲۷۶)
هیچ چاره نیست از قوت عیال	از بن دندان کنم کسب حلال
	(مثنوی معنوی: ۲/۳۰۷۱)
نفس چون با شیخ بیند کام تو	از بن دندان شود او رام تو (همان: ۳/۲۵۴۶)
ای دهان غافل بدی زین باد رو	از بن دندان در استغفار شو (همان: ۶/۴۷۸۹)
چرخ زرین فام بادت از بن دندان غلام	تا که فرمان تو را پیوسته فرمان میبرد
	(دیوان سلمان ساوجی: ص ۴۹۹)
عقل سر کش چون ببیند لب و دندان ترا	پیش لعل لب تو از بن دندان آید
	(دیوان عطار نیشابوری: ۳/۳۲۸)
عقل چون شرح لب تو بشنود	پیش لعلت از بن دندان رود (همان: ۳/۳۰۷)
عقل لبش را مرید از بن دندان شده است	نیست در این هیچ شک کان لب و دندان خوشست
	(همان: ۷/۷۰)
لعل دُر پوش گهر پاش ترا لولوی تر	چه کند کز بن دندان نکند لالایی
	(دیوان غزلیات خواجهی کرمانی: ۳/۹۲۰)

نتیجه:

بنظر می‌آید عبارت «از بن دندان» و دیگر عباراتی که «بن دندان» در آنها بکار رفته است؛ از قبیل: «از بن هر دندان» و «از بن سی و دو دندان»، بدون در نظر گرفتن معنی کنایی و مجازی، در معنی لغوی و حقیقی بکار رفته و بکار می‌رود. اما همگام با معنی حقیقی، در معنی کنایی نیز در گذشته و حال، کاربرد داشته و دارد. با توجه به شواهد موجود، میتوان نتیجه گرفت که کنایه مورد بحث در گذشته، در معنی امروزی (از صمیم قلب، از ته دل و...) بکار نمی‌رفته، بلکه به معنی: بناچار، بضرورت و معاننی از این قبیل بکار میرفته است. یا حداقل در این معنی نیز کاربرد داشته است. قرائن نشان میدهد که معنی «بناچار، بضرورت و...» بیشتر در سبک خراسانی و اوایل سبک عراقی کاربرد داشته است. و از آن به بعد این معنی به فراموشی سپرده شده است. یکی از دلایل این مطلب شاید این باشد که در زبان بعضی از شعرای تأثیر گذار گاهی این کنایه آنچنان به کار رفته که هر دو معنی متضاد را میتوان از آن استنباط کرد، در نتیجه شعری که این کنایه را در شعر آنان دیده اند، معنی امروزی را بیشتر استنباط کرده اند و از آن به بعد معنی غالب کنایه مورد نظر، همین معنی امروزی شده است.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که بعضی از شعرای متقدم مانند امیرمعزی، فرخی، ناصر خسرو، عنصری و... هیچگاه این کنایه را در معنی امروزی به کار نبرده اند، و بسختی میشود معنی امروزی را بر کنایه مورد بحث تحمیل کرد. از طرف دیگر شعری حوزه آذربایجان مانند خاقانی، نظامی و... و شعری سبک هندی، مانند صائب نیز هیچگاه کنایه مورد بحث را در معنی قدیم به کار نبرده اند، حتی بندرت میتوان هر دو معنی قدیم و جدید را از کنایه مورد نظر در شعر آنان استنباط کرد. در شعر شاعرانی مانند مولوی صریحاً هر دو معنی به کار رفته و گاهی نیز میتوان همزمان هر دو معنی را در یک بیت از کنایه مورد بحث دریافت کرد. و در زبان بعضی از شعرا مانند سلمان ساوجی، خواجه و عطار وجه غالب همین معنی امروزی است، هر چند در بعضی از موارد میشود هر دو معنی متضاد را از کنایه مورد نظر استنباط کرد.

بطور کلی میتوان گفت که این کنایه در ابتدا فقط در معنی کنایی به اجبار، بضرورت و... بکار میرفته است و بر اثر سهل انگاری گویندگان و فهم نادرست مقلدان، معنی امروزی (از صمیم قلب و...) بوجود آمده است و معنی قدیمی بکلی فراموش شده است. یا حداقل باید پذیرفت که از ابتدا این کنایه (از بن دندان) دو معنی متضاد داشته که معنی

(بناچار و...) آن کم کم از بین رفته و اکنون فقط در معنی امروزی (از صمیم قلب، از ته دل و...) بکار می‌رود.

فهرست منابع:

- ۱- اختیار، منصور (۱۳۴۸) معنی‌شناسی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۲- اکبرآبادی، ولی محمد (۱۳۸۳) شرح مثنوی مولوی، به اهتمام نجیب مایل هروی، چاپ اول، انتشار قطره، تهران.
- ۳- امیرمعزی، محمد ابن عبدالملک، (۱۳۶۲) کلیات دیوان امیر معزی، مقدمه و تصحیح ناصر هیبری، چاپ اول، نشر مرزبان، تهران.
- ۴- انوری، اوحالدین (۱۳۶۴) دیوان انوری، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۵- انوری، حسن (۱۳۸۲) فرهنگ کنایات سخن، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران.
- ۶- اوحدی مراغه‌ای، رکن الدین (۱۳۳۷) دیوان اوحدی مراغه‌ای، مصحح سعید نفیسی، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی پیروز، تهران.
- ۷- بلخی، جلال الدین محمد، (۱۳۷۷) مثنوی معنوی؛ مطابق نسخه نیکلسون، چاپ اول، پیمان-دل آگاه، تهران.
- ۸- -----، (۱۳۸۴) کلیات شمس، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، چاپ چهارم، نشر ثالث، تهران.
- ۹- بهار، ملک الشعرا (۱۳۸۷) دیوان ملک الشعرا بهار، چاپ اول، انتشارات نگاه، تهران.
- ۱۰- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۳) تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ نهم، نشر مهتاب، تهران.
- ۱۱- پالم، فرانک.ر (۱۳۶۶) معنی‌شناسی، ترجمه کورش صفوی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران.
- ۱۲- تبریزی، محمد حسین بن خلف (۱۳۷۶) برهان قاطع، به کوشش دکتر محمد معین، چاپ ششم، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۱۳- تجلیل، جلیل (۱۳۶۵) معانی و بیان، چاپ سوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- ۱۴- ثروت، منصور (۱۳۷۵) فرهنگ کنایات، چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران.
- ۱۵- خاقانی شروانی، افضل الدین، (۱۳۶۸) دیوان خاقانی شروانی، به کوشش سید ضیاء الدین سجادی، چاپ سوم، انتشارات زوار، تهران.
- ۱۶- خواجه کرمانی، محمود ابن علی (۱۳۸۲) دیوان غزلیات خواجه کرمانی، به کوشش حمید مظفری، چاپ پنجم، انتشارات خدمات فرهنگی، کرمان.
- ۱۷- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، چاپ دوم از دوره جدید، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- دهلوی، امیر خسرو (۱۳۸۰) دیوان امیر خسرو دهلوی، به کوشش اقبال صلاح الدین، چاپ اول، انتشارات نگاه، تهران.
- ۱۹- رامپوری، غیاث الدین (۱۳۶۳) غیاث الغات، به کوشش منصور ثروت، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران.

- ۲۰- ساحلی، ضیاء (۱۳۸۱) فرهنگ ساحلی، چاپ اول، انتشارات شلاک، تهران.
- ۲۱- ساوجی، سلمان (۱۳۶۷) دیوان سلمان ساوجی، به اهتمام منصور مشفق، چاپ دوم، انتشارات صفی علیشاه، تهران.
- ۲۲- سجادی، سیدضیاء الدین (۱۳۸۲) فرهنگ لغات و تعبیرات و... دیوان خاقانی، چاپ دوم، انتشارات زوار، تهران.
- ۲۳- سنایی غزنوی، ابوالمجد... (۱۳۶۴) دیوان حکیم سنایی، به کوشش مدرس رضوی، چاپ سوم، انتشارات، کتابخانه سنایی، تهران.
- ۲۴- صائب، محمد علی (۱۳۷۸) دیوان صائب تبریزی، به اهتمام جهانگیر منصور، چاپ دوم، سیمای دانش، تهران.
- ۲۵- صفوی، کورش (۱۳۸۰) از زبانشناسی به ادبیات، ج ۲، چاپ اول، انتشارات حوزه هنری، تهران.
- ۲۶- عراقی، فخرالدین (۱۳۷۲) مجموعه آثار فخرالدین عراقی، به کوشش نسیرین محتشم، چاپ اول، انتشارات زوار، تهران.
- ۲۷- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۴) دیوان عطار نیشابوری، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، چاپ پنجم، انتشارات نگاه، تهران.
- ۲۸- عنصری، ابوالقاسم حسن (۱۳۶۳) دیوان عنصری بلخی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ دوم، نشر کتابخانه سنایی، تهران.
- ۲۹- فراهانی، ادیب الممالک، (۱۳۵۵) دیوان ادیب الممالک فراهانی، مصحح حسن وحید دستگری، چاپ اول، انتشارات فروغی، تهران.
- ۳۰- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی (۱۳۸۵) دیوان حکیم فرخی سیستانی، به کوشش محمد دبیر سیاقی چاپ هفتم، انتشارات زوار، تهران.
- ۳۱- قآنی، حبیب الله بن محمد علی (۱۳۸۰) دیوان حکیم قآنی، تصحیح میرزا محمد خوانساری، چاپ اول، انتشارات نگاه، تهران.
- ۳۲- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۷۰) دیوان ناصر خسرو، به کوشش مجتبی مینوی و مهدی محقق، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۳۳- قطران تبریزی، ابومنصور (۱۳۳۳) دیوان قطران تبریزی، مصحح محمد نجوانی، چاپ اول، کتابفروشی حاج ابراهیم حقیقت، تبریز.
- ۳۴- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۸۵)، زیبا شناسی سخن پارسی (بیان)، چاپ هفتم، انتشارات کتاب ماد، تهران.
- ۳۵- معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۳۶- مقدم، و. م (۱۳۷۰) فرهنگ لغات قافیه، چاپ اول، انتشارات مسلم، همدان.
- ۳۷- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۷۱) کشف الاسرار ج ۲، به کوشش علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۳۸- میرزانی، منصور (۱۳۸۲) فرهنگ کنایات، چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۳۹- نظامی گنجوی، الیاس (۱۳۶۳) مخزن الاسرار، به کوشش حسن وحید دستگردی، چاپ دوم، موسسه مطبوعاتی علمی، تهران.